

یادداشت: صنعت الکترونیک به فدراسیون یا تشکل تخصصی به عنوان متولی نیاز دارد - دیجیاتو

نسیم توکل | شنبه، ۲۳ اسفند ۱۳۹۹

نویسنده این یادداشت «نسیم توکل» رییس هیات مدیره شرکت تجارت الکترونیک عرش گستر است.

در سال 1390 بود که شرکت عرش گستر تدوین استاندارد ملی را در حوزه طراحی و مونتاژ بردهای مدار چاپی انجام داد و از طرف معاونت راهبردی وقت ریاست جمهوری از ما خواسته شد تولید را برای یکی از مواد اولیه استراتژیک در صنایع الکترونیک آغاز کنیم. از آنجا که بررسی کرده بودند ما از نظر مدیریتی و دانش امکان انجام این کار را داریم، قول حمایت‌های مالی کافی را نیز ارائه کردند.

در آن زمان تحقیق بازاری انجام دادیم و به این نتیجه رسیدیم که در صورت سرمایه‌گذاری برای تولید این ماده، کشور دچار چالش خواهد شد. به این دلیل که از نظر سطح تولید در این اندازه و گستره هنوز توجیه اقتصادی وجود نداشت و موجودی پاسخگوی نیاز داخلی کشور بود. بنابراین ما روی به بررسی مورد دیگری آوردیم تا بخش دیگری از مشکلات صنعت الکترونیک کشور را به عنوان صنعت مادر حل کنیم.

در آن سال همچنین با موسسه تدوین‌گر استانداردهای بین‌المللی در اروپا همکاری می‌کردیم تا بتوانیم بخشی از دانش روز را به ایران منتقل کنیم اما به چالشی برخوردیم که قیمت‌گذاری روی استانداردها، آئین نامه‌ها و دستورالعمل‌ها در آنجا بسیار بالا است و برای ما به عنوان بخشی خصوصی هزینه بالایی بودیم که بخواهیم وظیفه دولت یا دانشگاه را انجام دهیم. در واقع، حتی اگر به این کار هم اقدام می‌کردیم باز هم به عنوان یک شرکت تنها نیازمند همکاری دولت، تشکل‌ها و دانشگاه دیگر بخش‌های فعال برای اثربخشی این امر بودیم.

چشم‌انداز صنعت



موردی که آن موسسه در سال‌های دور مشغول انجام بود، تدوین سند چشم‌انداز برای صنعت الکترونیک اروپا بود و ما به این نتیجه رسیده بودیم که یکی از عوامل توسعه نیافتگی در زیر صنایع صنعت الکترونیک ایران نبود چشم‌انداز است.

هر چند که در سال‌های بعد انجمن میکرو الکترونیک و دفتر برق و الکترونیک وزارت صمت به یک چشم‌انداز مشخص در صنعت میکرو الکترونیک دست یافتند. اگر چه برای آن چشم‌انداز مأموریت و استراتژی به منظور دستیابی به موفقیت تعیین نشد و برنامه صرفاً نوشته شده و بدون عمل باقی ماند.

متأسفانه دولت آن زمان راغب نبود و خرید مدارک برای الگوسازی و دعوت از تیم‌های متخصص کشورهای توسعه یافته برای بررسی صنعت ایران، ایجاد تیم‌های خبره دانشگاه‌های داخلی و ارتباط با بخش خصوصی را فایده‌دار نمی‌دید و بیشتر با دید شعاری به موضوع نگاه می‌کرد. از آنجا که در بخش دولتی این کار با نوشتن سند چشم‌انداز صورت می‌گرفت اما مسئله در حد یک بازی کاری برگزار میشد و کسی به آن برنامه اعتقادی نداشت بنابراین استقبال چندانی از فعالیت در این حوزه از سوی بخش خصوصی هم صورت نمی‌گرفت.

امروز کجاییم؟

با این حال، امروز که نزدیک به ده سال از آن رویداد می‌گذرد من همچنان معتقدم نبود چشم‌انداز در صنعت الکترونیک بزرگترین معضل برای توسعه نیافتگی و عقب ماندن از کشورهای پیشرو در این زمینه است. نکته مهم اینکه باید حداقل این چشم‌انداز را نوشت تا کشور بداند که در حال

حرکت به کدام سمت و مسیر است و هدف برای دستیابی به کدام افق تعیین شده است.

با این حال، در صنعت لوازم خانگی شاهد نوشتن این چشم‌انداز بودیم چون در دفتر برق و الکترونیک و سازمان صنعت و معدن به این آگاهی رسیدند و البته با قدرتی که انجمن‌ها داشتند و پیگیری که کردند بسیار موثر بود. به این دلیل که صنعت لوازم خانگی یک صنعت استراتژیک برای کشور محسوب می‌شود و لازم هست که برنامه‌ریزی مشخص و مدونی برای تعیین سمت و سو تولید در آن صورت گیرد. در واقع، وقتی برنامه‌ریزی وجود داشته باشد آن‌گاه می‌بینیم که کشور در آن حوزه یک تکانی می‌خورد و کم‌کم حرکت به سمت بومی‌سازی تولید، تعمیق دانش در صنعت لوازم خانگی ایجاد می‌شود با اینکه همچنان مشکلات موجود در بخش‌های مختلف این صنعت خودنمایی می‌کنند.

اکنون، یک صنعت بالا دستی در کشور داریم یعنی صنعت الکترونیک که متأسفانه هیچ‌گونه هدف و چشم‌اندازی برای آن وجود ندارد بنابراین در یک بازار بی‌هدف شرکت‌های فعال در این حوزه به نحوی سرگردان هستند. به این دلیل که نمی‌دانند کشور قرار است به کدام برنامه برسد و خود نهادهای دولتی هم وقتی می‌خواهند سرمایه‌گذاری کنند، تسهیلاتی ارائه دهند و بخشی را پررنگ‌تر نمایند وقتی سندی وجود ندارد که به آن برگردند و بگویند کشور در حال حرکت به کدام سو هست رغبتی نشان نمی‌دهند. بنابراین حتی زمانی که شرکتی می‌خواهد محصولی را برای توسعه و آینده خود انتخاب کند نمی‌داند باید چه کند و تکلیف آن نامشخص هست. در واقع، چشم‌انداز خود را در راستای برنامه کشور قرار دهد.

ایده تشکیل فدراسیون صنعت الکترونیک



متأسفانه چشم‌اندازی که در بخش خصوصی هم وجود دارد کاملاً جزیره‌ای است و با اینکه صنعت الکترونیک و میکرو الکترونیک در دنیا صنعت بسیار درآمدزایی هست اما سهم کشور ما تقریباً هیچ است. حتی با توجه به اینکه تولید در صنعت ایران ارزان است، از لحاظ دانش و نیروهای نخبه در ایران کمبودی نداریم و زیر ساخت به اندازه کافی داریم اما نبود این چشم‌انداز خود را نشان می‌دهد. فرض کنیم که این چشم‌انداز نوشته شده و برای آن مأموریت، استراتژی و هدف تعیین شد اما ما تشکل تخصصی در حوزه الکترونیک نداریم. یک انجمن علمی که متشکل از اساتید دانشگاه است را داریم.

این در حالی است که بخش خصوصی کشور ما در هر حوزه صنعت تشکل‌های تخصصی دارند. لوازم خانگی، مخابرات، تجهیزات پزشکی تشکل دارند اما الکترونیک به عنوان صنعت مادر به جای داشتن انجمن خاص می‌تواند در اتاق بازرگانی ایران به عنوان فدراسیون دیده شود و تشکل‌ها و انجمن‌های تخصصی موجود زیر مجموعه آن فدراسیون یا مجمع قرار گیرند.

در صورت وقوع چنین حالتی، فعالان اقتصادی دغدغه‌های مشترک خود را که به حوزه میکرو الکترونیک، توسعه کسب‌وکار در صنعت الکترونیک و توسعه نیازها در بحث‌های علمی، واردات، منابع انسانی و تولید بر می‌گردد از آن مسیر مطالبه کرده و فدراسیون بتواند این اهداف را پیش ببرد. نبود یک تشکل ضعف بزرگی است و وقتی در دولت و در دانشگاه برنامه‌ای وجود ندارد،

گروه‌های موجود می‌توانند دور هم بنشینند و برنامه جامع چشم‌انداز صنعت را تدوین کنند تا زیر صنعت‌های مختلف چشم‌انداز خود را مشخص نمایند.

تعیین این هدف سبب حل نگرانی و ترس شرکت‌ها برای هزینه‌کرد روی برنامه بومی سازی و تعمیق تولید خواهد شد زیرا در صورت حل مشکل تحریم‌ها کشور دوباره به حالت اولیه باز می‌گردد. وقتی از صنعت الکترونیک صحبت می‌کنیم هر چند واردات را هم در بر می‌گیرد که آن هم معضلی است چون هشتاد درصد بازار کشور ایران تبدیل به مکانی برای قطعات های کپی و تقلبی دست چندم خارجی شده است که عمدتاً به کاهش کیفیت محصولات نهایی صنایع الکترونیک می‌انجامد اما وقتی سند چشم‌انداز وجود داشته باشد، هر دولتی که بیاید و تحریم‌ها برداشته شود یا باقی بماند، کشور خود را ملزم به رسیدن به اهداف این چشم‌انداز می‌داند و برای دستیابی به آن تلاش و برنامه‌ریزی می‌کند.

[دیجیاتو](#)